

نقدی بر رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به جرم کودک آزاری (با تاکید بر جرائم جنسی)

فرید محسنی^۱، مجید بیاتی^۲

^۱استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران.

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری و طلبه سطح دو حوزه علمیه خراسان رضوی

نویسنده مسئول:

مجید بیاتی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۲۷-۳۷

چکیده

در قوانین کیفری ایران هیچ قانون خاصی در رابطه با کودک آزاری جنسی و جرم انگاری آن وجود ندارد. قوانین کیفری ایران دارای خلاء قانونی به لحاظ تعریف کودک آزاری جنسی و خلاء در جهت حمایت از اطفال هستند. در حال حاضر هیچ نهاد یا سازمان دولتی که مسئولیت حمایت از کودکان آسیب دیده را برعهده بگیرد وجود ندارد. حتی در برخی موارد والدین هم به حقوق حقیقی و واقعی کودکان خود آشنایی کامل ندارند و ممکن است کودکان خود را مورد آزار و شکنجه قرار دهند؛ در موقعیت کنونی با یک حقیقت تلخ مواجه هستیم و آن حقیقت همانا نارسایی ضوابط حقوقی مربوطه از یک طرف و عدم اجرای کامل ضوابط هرچند نارسای موجود از طرف دیگر می باشد که این امر بی تردید یکی از عوامل گسترش کودک آزاری و حتی به قتل رساندن کودکان به شمار می رود. در پژوهش پیش رو ضمن نقد قوانین مدنی و کیفری موجود، به بررسی علل و پیامدها و ویژگیها و ریشه های کودک آزاری اشاره و در آخر پیشنهاداتی در جهت رفع خلا قانونگذاری در جهت مقابله با پدیده ی کودک آزاری و اصلاح قوانین در زمینه حمایت کیفری و حمایت مدنی از کودکان، ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: کودک آزاری، سوء استفاده جنسی، اصلاح قوانین کیفری، حمایت کیفری.

مقدمه

آزار هرگونه عملی است که کودک را از نظر روانی و جسمی آزار دهند به نوعی که وی احساس یک نوع بی عدالتی و افراط کاری کند و یا یکسری اعمال و رفتار خشنی همراه است که از طرف بزرگترها متوجه کودکان می شود و در نتیجه موجبات ناراحتی جسمی، روحی و تحقیر وی را پدید می آورد. مجرمان و مرتکبان آزار جنسی کودکان معمولاً قشر پنهان جامعه هستند، اگر فردی یک بار مورد آزار فرد متجاوز قرار گیرد و فرد آزاردهنده را شناسد مورد آزار جنسی قرار گرفته اما اگر فردی به دفعات مکرر مورد تجاوز قرار گیرد در واقع مورد سوء استفاده جنسی واقع شده است. در کنوانسیون بین المللی حقوق کودک بر جرم انگاری خاص در مورد کودک آزاری تأکید شده است، اما متأسفانه در نظام کیفری ایران قانونی خاص برای آزار جنسی کودکان و حمایت ویژه در مورد آنها تصویب نشده است.

اگر موضوع کودک آزاری جنسی کودکان تا کنون کمتر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است نه بخاطر کم اهمیت یا بی اهمیت بودن موضوع، و نه به جهت قلت موارد اتفاق افتاده کودک آزاری جنسی است، بلکه متأسفانه این موارد در حال حاضر کلاً واقع می شود و ضمانت اجرای موثرو کافی برای مجازات و تنبیه مرتکبان نیز وجود ندارد، لیکن عدم طرح و پرداخت به این معضل بزرگ فرهنگی و اجتماعی بدین خاطر است که از نظر سنتی و فرهنگی، این موضوع بصورت یک تابو بشمار می رود و تمایلی به صحبت در مورد آن وجود ندارد و دیگر آنکه جرم کودک آزاری و به ویژه کودک آزاری جنسی یک جرم نسبتاً پنهان است و حتی به مرتکبان و مجرمان این جرم نیز از آنجا که در میان جمعیت پنهان هستند، جمعیت پنهان گفته می شود. و همچنین به این دلیل که آمار دقیقی در مورد این جرم بنا بر دلایل مختلف ارائه نمی شود و به اصطلاح آمار سیاه بزهکاری یا لیست سیاه وجود دارد، در خیلی از موارد این جرم پنهان باقی می ماند.

در مقاله پیش رو ضمن بیان کاستی ها و خلا قانونی حمایت کیفری از کودکان و نقد قانون مدنی در رابطه با حمایت های مدنی از اطفال به تعریف کودک آزاری به طور عام و کودک آزاری جنسی به طور خاص پرداخته و ویژگی ها و شیوه های وریشه های این پدیده ی خشن بررسی و ضمن نقد قوانین موجود، پیشنهاداتی در جهت برطرف کردن خلا قوانین کیفری به منظور قانون گذاری در این رابطه ارائه خواهد شد.

تعریف کودک آزاری و کودک آزاری جنسی

بطور کلی هرگونه آسیب جسمی یا روحی و روانی، سوء استفاده جنسی یا بهره کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر هیجده سال توسط افراد دیگر و بصورتی که تصادفی نباشد، کودک آزاری تلقی می شود.

در تعریف فوق اگر چه تلاش شده است تا همه وجوه و ابعاد آزار کودکان را در بر گیرد اما در هر حال بسیاری از مفاهیم مندرج در آن ممکن است در بین صاحب نظران اختلاف برانگیز باشد. مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) کودک آزاری عبارت است از: آسیب یا تهدید به سلامت جسم یا روان و سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند. اما در مورد تعریف کودک آزاری جنسی که موضوع اصلی این مقاله است، به تعریف ذیل اشاره می گردد: منظور از آزار جنسی کودک، درگیر نمودن کودک در فعالیتهایی است که منجر به ارضاء جنسی افراد بزرگسال می شود. سوء استفاده جنسی، تماس ها یا تعاملات بین کودک و فرد بالغی است که کودک را به منظور تحریک جنسی مورد استفاده قرار داده است. آزار جنسی معمولاً توسط افراد خانواده و نزدیکان و آشنایان و بندرت توسط افراد غریبه صورت می پذیرد. مطالعات نشان داده است که در اکثر موارد آزار دهندگان کودک، والدین وی و ناپدری و یا نامادری او هستند و مواردی را که شامل بیگانگان و غریبه ها می شود، درصد کوچکی از کل موارد را در بر می گیرد. همچنین مطالعات نشان داده است که در بیشتر آزارهای جنسی کودکان که توسط پدر اعمال شده است، کودک قربانی دختر بوده است.

ریشه های کودک آزاری

کودک آزاری چه جنبه تأدیبی بیش از اندازه عقلانی داشته باشد که منتهی به جرح و مصدومیت کودک شده باشد، چه جنبه تأدیبی بزهکارانه داشته باشد، تقریباً ریشه یکسانی دارد. اگر به صفحه حوادث روزنامه ها در چند سال اخیر که مبادرت به انتشار اخبار جرائم و جنایات می کنند توجه کنیم، تمام حوادث مرتبط با کودک آزاری دارای یک نقطه مشترک است. نقطه مشترک در تمام جرائم علیه کودک این است که کسی که مرتکب چنین عملی می شود یا قصد از بین بردن و کشتن تدریجی کودک را دارد یا قصد ایجاد رعب و وحشت در دل او. نتیجه ای هم که از این اعمال مجرمانه می خواهد، این است که کودک راز جنایات او را فاش نکند و اینکه با از بین رفتن کودک و مرگش، مسیر ارتکاب و تداوم جرم و جنایت او هموار گردد. کودک، انسان کاملاً بی گناهی است که هیچ قدرت دفاعی ندارد. علاوه بر این، والدین هم به شکلی در آزار کودک سهیم هستند و جرم و جنایت علیه کودک با چراغ سبز آنها انجام می شود. کودک آزار نه تنها به خاطر اینکه کودکی را آزار داده مجرم است و مستحق کیفر، بلکه او به خاطر جرائمی که قبل از کودک آزاری مرتکب شده و کشف نگردیده هم قابل مجازات است. بدین معنا که هر جا که کودک آزاری دیدیم، باید متوجه شویم که آزاردهنده، جرائم یا جنایات دیگری هم مرتکب شده که از مجازات آن عمل یا اعمال تا آن زمان گریخته است یا نه. کودکان در شرایط کاملاً بی دفاعی مورد تعرض قرار می گیرند و والدین آنها هم هیچ دفاعی از

کودک خود نمی کنند و به تعرض به کودک خود رضایت داده اند. لذا شایسته است جامعه با وضع قانون مناسب به حمایت بیشتری از کودکان برخیزد و مجازات کودک آزاری را صرفاً به دیه محدود نکند.

در واقع ضرب و جرحی که علیه کودک شده است شروع به قتل اوست. اگر هم کودک از مرگ فیزیکی به شکلی نجات پیدا کند، صدمات روحی که کودک بر اثر آزار و اذیت، آن هم گاهی اوقات در جلو چشمان والدین خود دیده است، عواقبی به مراتب بدتر از مرگ کودک برای جامعه دارد. کودکی که آزار دیده است یا فردی ترسو و منزوی و منفعل خواهد شد یا دست به انتقام از جامعه خواهد زد. اگر راه دوم را پیش گیرد، دامنه جنایات در آینده در جامعه افزایش چشمگیری پیدا خواهد نمود. به عبارت دیگر جامعه از یک طرف جنایت علیه کودک را با کم توجهی و مجازات خفیف تحمل نموده و سپس در یک زمان دیگر یعنی زمانی که همان کودک بزه دیده بزرگ شده و درصدد انتقام برآمده است اقدام به مقابله با او می کند. کم توجهی جامعه به این موضوع خسارات زیاد و جبران ناپذیری را برای جامعه در آینده به وجود خواهد آورد. مجازات ها در تمام جوامع، مبارزه با معلول است و نه با علت و علت اینکه جوامع بشری نتوانسته اند ریشه جرم و جنایات را با وجود تلاش های زیاد بخشکانند در مبارزه اجتناب ناپذیر و بعضاً نادرست او با معلول نهفته است. اما مبارزه جامعه با کودک آزار دیده که در بزرگسالی به عصبان رسیده ظلم مضاعفی است بر جامعه. برای اینکه در آینده به افراد مجرمی برخورد نکنیم که به علل بزه دیدگی و تحقیر در کودکی دست به جنایت می زنند، شایسته است اکنون با شدت بیشتری با کودک آزاری مقابله کنیم. فراموش نکنیم که مجازات، اقدامی مؤثر در کوتاه مدت است و می تواند به فرهنگ سازی جامعه کمک کند.

ویژگیهای اصلی کودک آزاری جنسی

کودک آزاری جنسی چه بصورت مداوم باشد و یا فقط یکبار صورت گرفته شود و خواه توسط افراد خانواده و نزدیکان و خواه توسط افراد غریبه انجام شده باشد، معمولاً دارای پنج شاخصه و ویژگی اصلی است: اول این که کودک عموماً عمل تجاوز جنسی را دوست ندارد که البته این مساله در قوانین داخلی کشور ما وجود ندارد، زیرا در قوانین ایران همه ارتباطات نامشروع و ارتباطات خارج از چارچوب نکاح ممنوع و منافی عفت است و جرم محسوب می شود، اما در قوانین سایر کشورها چون انگلستان این مساله مطرح است که کودک این رابطه را دوست ندارد. دومین مورد ارضایی جنسی فرد آزاردهنده است که هدف اصلی فرد متجاوز است. سوم تفاوت سنی و قدرتی بین فرد آزاررسان و آزار دیده است و همچنین کسی که کودک را مورد آزار قرار می دهد معمولاً تا ۵ سال از کودک بزرگتر است و چهارم این که این فعالیت های جنسی معمولاً پنهان و همراه با توطئه چینی قبلی است و آخرین ویژگی این که گاهی کودک به خاطر نیازهایی از جمله وابستگی شدید به فرد آزار رسان و نیاز مادی روانی معمولاً سعی می کند آزار را پنهان نگه داشته و خود هم پس از آن تمایل به مورد آزار قرار گرفتن را نشان می دهد.

تفاوت سوءاستفاده جنسی از کودک با آزار جنسی کودک

این دو عبارت در متون حقوقی انگلیسی خیلی زیاد بکار رفته اند اما از لحاظ تعریف، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و تفاوت آنها بیشتر در مراجع درمانی یا قانونی است که به آن مراجعه می نمایند. همه اعمالی که به عنوان سوء استفاده جنسی بکار می رود، مسلماً آزار جنسی و آزارهای عاطفی و روانی نیز بدنبال خواهد داشت و امکان ندارد که کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته باشد ولی آزار جنسی و یا روانی را تجربه نکرده باشد. یک تفاوت که در مورد این دو واژه می توان اشاره نمود آن است که محققان و روان شناسان معتقدند زمانی که یک شخص خاص در طول مدت زمان معین، یک فرد خاص را مورد آزار جنسی قرار دهد، سوء استفاده جنسی (Abuse) واقع شده است. بنابراین در سوء استفاده جنسی، شخص آزار دهنده و کودک مورد آزار جنسی، یک فرد ثابت هستند و این آزار جنسی در طول مدت زمان تکرار می گردد.

خلاء قانونی تعریف کودک آزاری جنسی در ایران و خلاء قوانین کیفری در جهت حمایت از اطفال

در قوانین کیفری ایران متأسفانه نسبت به این امر، جرم انگاری خاصی نشده است و تحت عنوان کودک آزاری جنسی، قانون یا مورد خاصی مشاهده نمی شود و حمایت ویژه یا افتراقی از کودکان در مقابل اعمال منافی عفت و جرایمی از جمله زنا، لواط، مساحقه، تقبیل و مضاجعه و هر نوع سوء استفاده جنسی یا آزار جنسی دیگر یا اساساً وجود ندارد و یا در برخی موارد حتی حمایت کیفری کمتری هم از آنها به عمل آمده است. پس از انقلاب اسلامی با تصویب قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ / ۶ / ۳ کلیه مواد قانون مجازات عمومی سابق که راجع به جرائم هتک ناموس و منافی عفت بود، نسخ گردیده و مقررات کیفری مطابق شرع اسلام به مرحله اجرا گذاشته شد و علاوه بر آن، مصادیق دیگری از جرائم منافی عفت غیر از زنا مانند تقبیل و مضاجعه، تفخیذ و مساحقه نیز مورد حکم قرار گرفت. همچنین قانونگذار اسلامی، بلوغ یا صغر سن مجنی علیه را که سابقاً موجب تفاوت در مجازات می شد، نادیده گرفت و از این حیث همه را یکسان قلمداد نمود.

همینطور در قوانین کیفری ایران، اعمالی نظیر هرزه نگاری کودکان (پورنوگرافی) و بهره گیری از آنها مورد غفلت قرار گرفته است. در خصوص هر یک از موارد مهمی که نسبت به کودکان مورد غفلت قانونی واقع شده است و حمایت خاص کیفری از آن به عمل نیامده است، در ذیل به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۱- رضایت فرد (کودک) در رابطه جنسی

در برخی از کشورها بویژه کشورهای اروپایی و کانادا رضایت کودک، عامل مهم و تعیین کننده ای برای تشخیص آزار جنسی یا سوء استفاده جنسی است و در کشورهای مختلف که این مکانیسم پذیرفته شده است، سنین مختلفی تعیین شده است. مثلاً در کانادا اگر کودک زیر سن دوازده سال باشد، ارتکاب این اعمال از سوی وی یک اختلال رفتاری محسوب می شود ولی پس از دوازده سال تا هجده سال به عنوان یک جرم با آن برخورد می گردد. اما در قوانین کیفری و جزایی ایران، اساساً بحث رضایت فرد به طور کلی در رابطه جنسی نامشروع مطرح نیست و به طریق اولی، رضایت کودک نیز به هیچوجه تاثیری در مسئله نخواهد داشت، در این مورد در بندهای جداگانه ای، جرایم و اعمال منافی عفت مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲- توریسیم جنسی یا گردشگری جنسی

توریسیم جنسی که در قوانین کیفری بسیاری از کشورها و معاهدات بین المللی به آن توجه شده است (ملیحه اسداللهی، ۱۳۷۴)، در قوانین جزایی ایران مورد غفلت قرار گرفته است و به طور مجزا و خاص در خصوص آن جرم انگاری صورت نپذیرفته است. لیکن در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱، «هر گونه بهره کشی و بکارگیری کودکان به منظور اعمال خلاف» را جرم اعلام نموده است که با این جرم انگاری، گام بسیار مهمی در راستای پیشگیری از بزه دیدگی جنسی و سوء استفاده از کودکان در اینگونه فعالیتهای مجرمانه جنسی برداشته است. در هر حال گردشگری جنسی، پورنوگرافی، بردگی جنسی و دیگر جرایم سازمان یافته که در عرصه بین المللی وجود دارد و ممنوعیت آنها مورد تاکید کنوانسیونهای بین المللی قرار گرفته است، نیازمند همکاری بیشتر دولتها با یکدیگر برای مبارزه با این پدیده های شوم و غیر انسانی و اقدام مثبت دولتها در جهت تدوین و وضع قوانینی موثر و اتخاذ تدابیر و ضمانتهای اجرایی و ایجاد نهادهای نظارتی می باشد.

۳- هرزه نگاری (پورنوگرافی) نسبت به کودکان

هرزه نگاری و انتشار صور قبیحه خواه در مورد بزرگسالان و خواه کودکان از طریق کتب، مجلات، دیسکت های کامپیوتری و اینترنت وجود دارد. کمیته حقوق کودک در سال ۱۹۹۳ یک گزارش حاوی توضیحاتی درباره سوءاستفاده جنسی، منتشر نمود و در آن اعلام داشت که فحشاء کودکان باید به عنوان جرمی سنگین شناخته شود و واسطه ها، شرکاء و مشتریان باید به مجازات برسند، پورنوگرافی باید ممنوع شود و مرتکبان آن به اشد مجازات محکوم گردند.

در قوانین کیفری ایران تنها در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (در فصل هجدهم تحت عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی) بطور کلی وعام مقرر شده است که هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار و بطور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت و توزیع نگهدارد و به حبس از سه ماه تا یکسال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهد شد. در این ماده قانونی هیچ اشاره و تاکید خاصی نسبت به کودکان در جهت حمایت بیشتر از آنها بعمل نیامده است. بنظر می رسد که قانونگذار کیفری باید با توجه به آسیب پذیری بیشتر اطفال، طفل بودن را از علل مشدده جرم قرار دهد و به جرم انگاری خاص برای اطفال در این زمینه ها اقدام نماید.

۴- قاچاق کودکان

قاچاق کودکان به اشکال و انحاء مختلف ممکن است صورت پذیرد. گاهی اطفال تحت عنوان فرزند خواندگی مبادله می شوند و تحت این عنوان از آنها سوء استفاده شده و آزارهای بسیاری نسبت به کودکان اعمال می گردد. کنوانسیون استکهلم مصوب ۱۹۹۶ در خصوص حمایت از کودکان و همکاری در مورد فرزند خواندگی با هدف ممانعت و پیشگیری از قاچاق کودکان تنظیم شده است. کنوانسیونهای متعدد سازمان ملل متحد در مورد جرایم سازمان یافته فرامرزی و به خصوص کنوانسیون سال ۲۰۰۰ و پروتکل اختیاری آن برای منع سرکوب و مجازات قاچاق افراد به ویژه زنان و کودکان و اعلامیه های متعدد در این زمینه، مسئله کودک آزاری و قاچاق کودکان را به شدت ممنوع اعلام نموده است. کنگره جهانی استکهلم ۱۹۹۶ علیه تجارت و خرید و فروش و قاچاق کودکان برای استثمار و سوء استفاده جنسی آنها در بیانیه خود

خطاب به دولتها، بر لزوم همکاریهای قویتر میان دولتها و اختصاص اولویت زیاد به مبارزه با قاچاق اطفال به قصد استثمارجنسی آنها تاکید نمود.

در قوانین کیفری ایران متأسفانه در این مورد نیز جرم انگاری خاص انجام نشده است و قانون و مقررات جداگانه ای برای ممنوعیت قاچاق اطفال وجود ندارد، این امر در حالی است که کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد با تاکید بر لزوم قانونگذاری خاص در این خصوص از تمام دولتها خواسته است که در قوانین کیفری خود، استثمار جنسی و فحشاء و قاچاق کودکان را بعنوان جرائمی مهم و با حداکثر مجازات برای مرتکبان شناسایی نمایند و اطفال را بدینوسیله مورد حمایت کیفری بیشتر قرار دهند.

۵- جرائم و اعمال منافی عفت از قبیل زنا و زنا با محارم، لواط، تفخیز، مساحقه، تقبیل و مضاجعه و بررسی آنها نسبت به کودکان

در قوانین کیفری و جزایی ایران، متأسفانه در مورد جرائم فوق نیز نه تنها هیچگونه حمایت کیفری بیشتری نسبت به اطفال بعمل نیامده است بلکه بالعکس حمایت کیفری کمتری هم نسبت به کودکان ارائه شده است و در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی بین جرائم بزرگسالان و اطفال تفاوتی قائل شده است که در راستای حمایت کیفری کمتر از آنها می باشد و در بسیاری موارد این امر می تواند زمینه بزه دیدگی بیشتری را برای اطفال فراهم نماید. در ذیل به هریک از جرائم یاد شده بطور مجزا خواهیم پرداخت.

اول — زنا با محارم و زنا زن محصنه با نابالغ

مطابق قانون مجازات اسلامی، مرتکب مشمول حد قتل می گردد و از این حیث تفاوتی از حیث کیفری بین کودکان و بزرگسالان وجود ندارد و فرقی هم میان جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن وجود ندارد. همچنین زنا زن محصنه بانابالغ موجب حد تازیانه است. در حالیکه زنا زن محصنه با مرد بالغ مستوجب حد رجم (سنگسار) است. بنابراین ملاحظه می شود که قانونگذار از طفل نابالغ حمایت کیفری کمتری نموده است و طفل بودن بزه دیده را در واقع از عوامل مخففه برای مجازات زن بزهکار (زانیه) دانسته است.

دوم — لواط

طبق ماده قانون مجازات اسلامی، حد لواط فرد بالغ با نابالغ قتل است و اصل بر آن است که طفل مکره بوده است ولی چنانچه طفل مکره نباشد، وی نیز مجازات می گردد و مجازات وی ۷۴ ضربه شلاق از باب تعزیر خواهد بود. این مجازات شلاق برای طفل حتی اگر از باب تعزیر باشد و حتی اگر طفل به عمل لواط راضی بوده باشد، به جهت عدم مسئولیت کیفری اطفال مصرح در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی قابل انتقاد است و با آن مغایرت دارد. کودک آزار دیده خود فردی قربانی است و نباید با وی بعنوان یک مجرم رفتار شود. این امر در تمام کنوانسیونهای مهم بین المللی مورد تاکید واقع شده است که اینگونه اطفال باید مورد حمایتهای روانی و عاطفی و حمایتهای درمانی و پزشکی بیشتری قرار گیرند تا بتوانند دوباره به وضعیت عادی باز گردند. (معصومه افسرس، ۱۳۷۵) فقهای امامیه مستند این حکم را روایت صحیح ابن بصیر از امام صادق (ع) ذکر نموده اند که در مورد مجازات پسر نابالغی که با زنی زنا کرده بود از امام صادق (ع) سؤال شد و امام در پاسخ فرمودند که پسر نابالغ تازیانه زده می شود نه حد و زن هم حد کامل بر او اجرا می شود. همچنین طبق قانون مجازات اسلامی هرگاه نابالغی، نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد، که در اینجا نیز قانونگذار بر خلاف اصل کلی عدم مسئولیت کیفری کودکان، طفل فاعل و مفعول را قابل مجازات دانسته است.

سوم — تفخیز

بموجب قانون مجازات اسلامی، حد تفخیز و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول، برای هر یک صد تازیانه است. ملاحظه می گردد که در اینجا نیز حمایت کیفری ویژه ای از اطفال بچشم نمی خورد و تفخیز با اطفال هم همان صد تازیانه را خواهد داشت. این امر از این حیث مورد انتقاد است که افراد بزرگسال بچه باز به جهت آنکه ممکن است آثار و تبعات لواط در کودکان و کشف آن آثار موجب آشکار شدن جرم ارتكابی آنها گردد، بیشتر به تفخیز با اطفال روی می آورند و از این رو اطفال در معرض آسیب پذیری و خطر زیاده تری واقع خواهند بود.

چهارم — مساحقه

در مورد مساحقه (همجنس بازی زنان با یکدیگر) نیز بین نابالغ و بالغ در قانون مجازات اسلامی تفاوتی وجود ندارد و حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است.

پنجم — تقبیل و مضاجعه

در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: « هر گاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع و یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می شود. » ملاحظه می گردد که در این ماده، لفظ زن و مرد بکار رفته است و مجازات شلاق تا ۹۹ ضربه تعیین شده است، پس در وهله اول بنظر می رسد که اطفال باید از شمول این ماده، مستثنی گردند زیرا قانونگذار لفظ زن و مرد را بکار برده است. بنظر

می رسد که قانونگذار کیفری باید در مورد اینگونه اعمال از قبیل بوسیدن از روی شهوت و یا همبستر شدن با توجه به آسیب پذیری بیشتر اطفال، طفل بودن را از علل مشدده جرم قرار دهد و به جرم انگاری خاص برای اطفال در این زمینه ها اقدام نماید.

ششم: مشخص نبودن حد تنبیه و تادیب کودکان توسط والدین در قانون

حد تنبیه و تادیب کودکان توسط والدین چه در قانون کیفری (مجازات اسلامی) و چه در قانون مدنی معین و مشخص نیست قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، اعمال تنبیه و تادیب کودکان توسط والدین، اولیاء قانونی و سرپرستان صغار را با شرایطی تجویز کرده است. بنظر می رسد در برخی موارد اعطای مجوز فوق به این افراد، کودکان را در معرض آزار و اذیت و شکنجه های جسمی و روحی به بهانه تادیب و تنبیه قرار خواهد داد. بموجب مواد قانونی یاد شده، تنبیه اطفال توسط والدین به منظور تادیب و تربیت طفل در صورتی که در حد متعارف باشد جرم تلقی نمی شود. لیکن مشکل اصلی در اینجاست که این تنبیه تا چه حد متعارف است و میزان آن به درستی تعیین نشده است. با ارائه طرح قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱ انتظار می رفت که خلاء قانونی فوق حداقل در خصوص اطفال پر شود، اما با تصویب ماده ۷ قانون مذکور، تنها بارقه امید در مورد امکان تعقیب والدین، اولیای قانونی و سرپرستان صغار به جرم آزار و اذیت جسمی و روحی اطفال از بین خواهد رفت. بنابراین در خصوص کودک آزاری در درون خانواده، حقوق کیفری ایران همچنان با خلاء قانونی مواجه است. این امر در حالی است که قانونگذار با تصویب ماده ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی با جرم انگاری خاص برای ترک انفاق کودکان در راستای ممانعت از بزه دیدگی جسمانی اطفال در حقوق جزای ایران، اقدام مثبتی انجام داده است، لیکن موارد دیگر کودک آزاری علیرغم آنکه تحقیقات و آمار نشان داده است که بیشترین کودک آزارهای جسمی، جنسی و روانی در داخل خانواده ها و بر اثر خشونت های خانگی صورت می گیرد، مورد بی توجهی قانونگذار واقع شده است.

هفتم — عدم قصاص پدر بخاطر قتل فرزند، مصداق بارز خشونت قانونی علیه کودکان

در قانون مجازات اسلامی (فصل چهارم آن تحت عنوان شرایط قصاص)، مقرر شده است: « پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد » متأسفانه این ماده تا کنون مورد سوء استفاده برخی پدران قرار گرفته است و خود مثال بارز خشونت قانونی علیه کودکان است. قتل های ناموسی و قتل های دیگری که به هر بهانه و دلیلی توسط پدران صورت می گیرد و یا قتل هایی که پس از تجاوز جنسی به کودکان از طرف پدران آنها انجام می شود، بخوبی حاکی از آن است که این ماده قانونی که خود مروج خشونت آنها به بدترین شکل آن یعنی قتل و سلب حق حیات از کودک و نقض مسلم حق حیات بعنوان مهمترین حقوق بنیادین بشر است، نیازمند توجه دقیق قانونگذار و اصلاح آن در جهت حفظ بهترین مصالح و منافع عالیه کودک می باشد.

مقابله با کودک آزاری

کودکان و نوجوانان امروز با بهتر بگوییم مردان و زنان فردای ایران که باید این کشور را بسازند و آرزوهای دست نیافته نسل های گذشته را برآورده سازند، غنچه های تازه شکفته و سبزه های نورسی هستند که سخت نیاز به حمایت و مراقبت ما دارند. آحاد مردم نه تنها در مقابل فرزندان خویش بلکه در مقابل فرزندان دیگران هم مسئولیت شرعی، اخلاقی، انسانی و ملی دارند و بیش از همه دولت مردان مکلف هستند تا شرایط زیست سالم و پرورش مادی و معنوی فرزندان ایران را تأمین نموده و امکانات را برای شکوفایی استعداد های یکایک آنها را به کار گیرند. متأسفانه یکی از عواملی که کودکان جامعه ما را شدیداً تهدید می کند، فقدان وسایل و نهادهای حمایتی کافی است که قادر باشند از این نهال های شکننده در برابر طوفان خشونت دفاع کند. از مطالعه گزارش های مطبوعات می توان حدس زد که میزان این گونه خشونت ها در جامعه ما رو به فزونی گذارده است.

خشونت علیه اطفال زنگ خطر را برای جامعه به صدا درآورده و اگر به موقع برای مقابله با خطر اقدام نشود، این نسل و نسل های آینده بهای غفلت ما را خواهند پرداخت. خشونت علیه اطفال جلوه های گوناگون دارد و نه تنها جسم آنها را می آزارد، بلکه و مهم تر اینکه روان آنها را بیمار و اخلاق آنها را تباه می سازد. طفلی که مورد ضرب و شتم والدین آن هم به صورتی کاملاً غیر متعارف و غیر انسانی قرار می گیرد، هرگاه جسم سالمی برای او باقی بماند، یقیناً روان سالمی نخواهد داشت. بسیاری از مجرمین امروز کسانی هستند که دیروز مورد بی مهری و بی توجهی شدید والدین یا سرپرست خود قرار گرفته اند و خشونت عمیق و مستمری را که در کودکی چشیده اند، امروز می خواهند به جامعه بچشانند.

به طور خلاصه مقابله با کودک آزاری، صیانت از بزرگترین سرمایه کشور یعنی نیروی انسانی محسوب می گردد و اقدامی است برای پیشگیری از جرم و تکوین شخصیت بزهکاران فردا. در این صورت هم از نظر تأمین خدمات اجتماعی و حمایتی و هم از نظر بستر سازی لازم حقوقی، دولت و ملت وظیفه سنگینی در این مورد دارند که هیچ عذری برای انجام ندادن آن مسموع نخواهد بود. در موقعیت کنونی با یک حقیقت تلخ مواجه هستیم و آن حقیقت همانا نارسایی ضوابط حقوقی مربوطه از یک طرف و عدم اجرای کامل ضوابط هر چند نارسای موجود از طرف دیگر می باشد که این امر بی تردید یکی از عوامل گسترش کودک آزاری و حتی به قتل رساندن کودکان به شمار می رود. به عنوان مثال در

سال ۱۳۸۱ قانونگذار ما با شتابزدگی و شاید صرفاً برای عمل به برخی تعهدات بین المللی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را در ۹ ماده به تصویب رساند که اکثریت قریب به اتفاق مقررات آن به تعیین مجازات برای مصادیقی از کودک آزاری اختصاص یافته است و قانونگذار با فراموش کردن قاعده عمومی بودن همه جرایم، بدون ضرورت خاصی در ماده پنج قانون مذکور اعلام داشته که کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد؛ این در حالی است که در قانون مذکور برای تعقیب این جرم عمومی و کشف جرم که مقدمه تعقیب می باشد، هیچ گونه چاره اندیشی و تدبیر کارسازی اتخاذ نگردیده است. تنها در ماده شش این قانون مقرر شده کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند.

در قانون مدنی نیز خوشبختانه اصلاح مفیدی در ماده ۱۱۷۳ صورت گرفته و مطابق ماده اصلاحی مواردی که به استناد آنها ممکن است حضانت طفل از والدین یا یکی از آنها سلب گردد با بیان برخی از نمونه های بارز کودک آزاری و بهره کشی از اطفال، بیش از گذشته به صورت شفاف مشخص شده اند، اما حتی این ماده نیز به رغم اصلاحات به عمل آمده کارآمد نیست چرا که در جامعه ما ایجاد بستر حقوقی لازم از یک سو و وسایل اجتماعی کافی از سوی دیگر برای مبارزه با کودک آزاری، به اقدامات به مراتب بیشتری نیازمند است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود.

نخست- تقویت سازمان ها و مؤسسات دولتی و انجمن ها و مؤسسات غیردولتی که در زمینه مقابله با کودک آزاری اقدام می کنند و جلب مشارکت عموم مردم در این زمینه وظیفه ای است که کمتر مورد توجه قرار گرفته، به ویژه آنکه حمایت مادی و معنوی از همه کودکانی که در معرض خطر قرار دارند، به تنهایی از عهده دولت ساخته نیست.

دوم- مکلف ساختن عموم مردم و شهروندان (نه فقط اشخاصی که مسئول نگهداری اطفال هستند) به اینکه در صورت مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را فوراً به مقامات قضایی یا اداراتی مانند سازمان بهزیستی اطلاع دهند و مقدم بر آن انجام تبلیغات کافی و آگاهی بخش که تمام شهروندان را از مسئولیتی که در قبال کودکان دارند آگاه نمایند. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، چنانچه یکی از شهروندان اطلاعات مفیدی داشته باشد که به وسیله آن اطلاعات بتوان موارد کودک آزاری را کشف و یا مرتکب را مجازات نمود و این اطلاعات را به مقامات صالحه گزارش ندهد، عمل وی جرم محسوب می شود که حرکت در این مسیر برای کشور ما هم کاملاً ضرورت دارد.

سوم- ضرورت پیش بینی امکانات قضایی اختصاصی و دادگاه های ویژه برای رسیدگی به پرونده های کودک آزاری که همزمان با رسیدگی مقدماتی به جرم صلاحیت صدور دستورهای موقت و فوری برای حمایت از اطفال در معرض خطر را داشته باشند. توضیح اینکه اگر با اطلاع دادرسی کنونی و به طور کلی حتی در وضع مطلوب فقط پس از طی فرآیند دست و پاگیر دادرسی و اثبات جرم بتوان از اطفال قربانی کودک آزاری حمایت کرد، دردی از اطفال مزبور دوا نمی شود. به همین دلیل دادسرا باید این اختیار را داشته باشد که به محض وصول اطلاعات قابل اعتماد که خشونت شدید اعمال شده بر طفل را نشان دهند، موقتاً تصمیمات لازم را برای جلوگیری از ادله خشونت اتخاذ نموده و در صورت اقتضا طفل را تا تعیین تکلیف پرونده به شخص یا مؤسسه ذی صلاحی جهت نگهداری بسپارد.

چهارم- ضرورت پیش بینی مجازات های متناسب که متأسفانه به رغم تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هنوز در این زمینه مشکل اساسی وجود دارد..

امیدواریم که با مسئولیت شناسی بیشتر از بروز حوادث تلخی که جان و سلامت جسمانی، روانی و اخلاقی اطفال را طعمه خویش می سازد، پیشگیری گردد که یقیناً این مهم با مجازات تنها (آن هم مجازاتی که فقط در متن قانون آمده باشد) میسر نمی شود.

خلاء های حمایت از کودکان در قانون مدنی ایران

در اینجا حضانت، حق ملاقات و تربیت طفل را از زاویه کودک آزاری مورد توجه قرار می دهیم.

۱- حضانت

طبق ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی « هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، ضعف جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت مقتضی بداند، اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است :

۱- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار.

۲- اشتها به فساد اخلاق و فحشاء،

۳- ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی

۴ — سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشاء، تکدی گری و قاچاق،
۵ — تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.»

ماده فوق که اصلاحی مصوب ۱۳۷۶ / ۸ / ۱۱ مجلس شورای اسلامی می باشد، با ذکر موارد و مصادیق «عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی والدین» به چندین دهه اختلاف نظر حقوقدانان و محاکم دادگستری در این مورد پایان داد. بدون تردید ماده مذکور یکی از مهمترین ساز و کارهای پیش بینی شده در قانون مدنی ایران در راستای پیشگیری از کودک آزاری و هر نوع سوءاستفاده از طفل بشمار می رود. نهاد حضانت در قانون مدنی ایران یکی از مهمترین نهادهای حمایتی از اطفال می باشد که نقش مهمی در پیشگیری از کودک آزاری و در خطر قرار گرفتن سلامت جسمانی، روانی، اخلاقی و اجتماعی اطفال ایفاء می نماید. قانونگذار در واگذاری حق حضانت تا حدود زیادی به وضع اخلاقی و مالی طرفین، مصلحت طفل و علایق و عواطف وی بی توجه بوده و با وضع ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی و تبصره اصلاحی اخیر آن، مادر را برای حضانت فرزند پسر و دختر تا هفت سالگی در اولویت قرار داده و پس از آن حضانت را به عهده پدر واگذار نموده است. این امر می تواند کودکان را در معرض آسیبهای جسمی و روحی و روانی جدی قرار دهد و زمینه سوء استفاده از آنها را فراهم سازد. ضمناً قانونگذار مدنی با پیش بینی جنون و یا ازدواج مجدد مادر پس از جدایی با شخصی غیر از پدر طفل، این موارد را از عوامل سقوط حضانت دانسته است، اما همین مسئله از این حیث قابل انتقاد بنظر می رسد که در خصوص ازدواج مجدد پدر طفل چنین عدم صلاحیتی برای پدر پیش بینی نشده است، در حالیکه رفتارهای نامادری هم همچون نا پداری می تواند بعضاً موجبات آزار طفل یا سوء استفاده از وی را مهیا نماید. البته با عنایت به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، ملاحظه می گردد که بموجب بندهای ۲ و ۴ آن بنوعی حمایت از اطفال در مقابل آزار و اذیت جنسی والدین و سوء استفاده از آنها، مطرح شده است. (ابراهیم باستانی پاریزی، ۱۳۴۳)

۲ — مسئله ولایت قهری پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود

موضوع ولایت قهری پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود را نیز از زاویه کودک آزاری با تاکید بر کودک آزاری جنسی بحث و بررسی خواهیم نمود. طبق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی: «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.» بنابراین ولایت قهری مخصوص پدر و جد پدری است و هیچ شخص دیگری حتی مادر را ولی قهری نداشته اند.

مبنای فقهی ماده قانونی فوق نیز، حدیث نبوی است که امام محمد باقر (ع) از رسول اکرم (ص) نقل فرموده اند: «أنتَ و مَالکٌ لایبک»، «تو و مال تو از آن پدرت هستی». حتی از ظاهر مواد ۱۱۸۲ و ۱۱۸۴ قانون مدنی اینطور استنباط می گردد که اگر صغیر هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و ناشیستگی یکی از آنها در اداره امور طفل احراز شود، حاکم نمی تواند ولی قهری منحصر را عزل نماید و فقط می تواند ضمّ امین کند. لیکن در خرداد ماه سال ۱۳۷۹، ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی بدین شرح اصلاح گردید: «هرگاه ولی قهری طفل، رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر موّلی علیه گردد، به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل، فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می نماید.» ماده ۱۵ — قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز عزل ولی قهری را هر چند که منحصر باشد، در صورت تایید ناشیستگی جدی وی، پیش بینی کرده بود. بدین ترتیب ملاحظه می گردد که ولایت قهری پدر و جد پدری به عنوان یکی از مکانیسم های حمایتی از اطفال در قانون مدنی ایران پیش بینی شده است. عدم پیش بینی ولایت قهری برای مادر طفل در موارد زیادی پس از مرگ پدر طفل به مصلحت کودک نبوده و می تواند موجبات آسیب پذیری او را فراهم نماید. بنابراین بنظر می رسد با توجه به اینکه عدم بر کناری ولی قهری در مورد کودک آزاری و به خصوص کودک آزاری جنسی، مطمئناً کودک را در شرایط و محیط خطرناک و آسیب پذیر قرار می دهد، ضروری است که این امر مورد توجه قانونگذار و نیز محاکم اطفال قرار گیرد.

توجه به مصالح و منافع عالیّه کودک باید مهمترین معیاری باشد که در صدور و اجرای حکم مورد نظر واقع شود. بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک نیز مقرر نموده است که: «در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط موسسات رفاه اجتماعی، عمومی، و یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی یا ارگانهای حقوقی انجام می شود، منافع کودک باید از اهم ملاحظات باشد.» ماده ۱۸ همان کنوانسیون نیز تاکید می نماید که «والدین و قیم های قانونی مسئولیت عمده ای در مورد پیشرفت و رشد کودک بعهده دارند و اساسی ترین مسئله آنان، حفظ منافع عالیّه کودک است.»

۳ — به ازدواج در آوردن دختران در سنین پائین

ازدواج اجباری دختران در سنین پائین که معمولاً به اصرار و خواست خانواده های آنان و به خصوص با اذن ولی قهری آنها صورت می گیرد، از مصادیق سوء استفاده جنسی از اطفال بشمار می رود. با اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و افزایش سن بلوغ دختران از ۹ سال قمری به ۱۳ سال تمام، گام بزرگی در راستای جلوگیری از ورود آسیبهای جسمی و روحی نسبت به اطفال بخاطر ازدواج قبل از بلوغ بعمل آمده است.

اگر چه در جامعه امروزی یک دختر سیزده ساله هم حتی اگر به لحاظ جسمی و جنسی آمادگی ازدواج را داشته باشد ، ممکن است از لحاظ روحی هنوز آمادگی پذیرش زندگی زناشویی را نداشته باشد .

نتیجه گیری

بطور کلی در قوانین کیفری ایران هیچ قانونی خاصی در رابطه با کودک آزاری جنسی وجود ندارد و متأسفانه در این مورد جرم انگاری خاص نشده است. و همانطور که ملاحظه و بررسی شد حتی در برخی مواد قانونی زمانی که بزه دیده، طفل می باشد، حمایت کیفری کمتری نیز از وی مطرح شده است. این امر در حالی است که در کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز به آن ملحق شده است و در کنوانسیونهای بین المللی مرتبط دیگر بر لزوم جرم انگاری خاص در خصوص کودک آزاری تأکید شده است. علیرغم آنکه کودک آزاریها اعم از جسمی و روحی و جنسی در داخل خانواده ها و توسط نزدیکترین افراد به کودک از جمله والدین وی انجام می شود، با کمال تأسف هنوز هیچ قانون خاصی برای حمایت از کودکان در مقابل خشونتهای خانگی تصویب نشده است و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱ نیز، والدین را در مورد اینگونه جرائم از تعقیب و مجازات معاف دانسته است. همچنین هیچ نهاد یا سازمانی که مسئولیت حمایت از کودکان آسیب دیده یا نظارت بر این امر را بر عهده گیرد، وجود ندارد و کودکان علیرغم داشتن هیچگونه تأمینیه مجدداً به داخل همان خانواده و نزد والدینی باز خواهند گشت که آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده اند.

بهر حال جرم انگاری خاص در مورد برخی رفتارها و جرایمی که علیه اطفال ارتکاب می یابد و تشدید کیفر مرتکبان اینگونه جرائم دو راهکار و مکانیسم پیش بینی شونده در حقوق جزای ماهوی برای حمایت کیفری بیشتر از اطفال است. همچنین اصلاح بعضی از قوانین کیفری مثل قانون مجازات اسلامی (در مورد عدم قصاص پدر به خاطر قتل فرزند) که خود بنوعی خشونت قانونی علیه کودکان بشمار می رود، ضروری می نماید تا احتمال سوء استفاده از این ماده قانونی توسط برخی والدین متعرض به کودک منتفی گردد. ایجاد معاضدتهای قضایی و حقوقی برای کودکان، تعیین وکیل تسخیری برای ایشان در موارد لزوم، تسریع در رسیدگی و رسیدگی فوری و خارج از نوبت به جرائم علیه اطفال، انجام مراحل دادرسی و تشریفات آن به زبان ساده و توضیح آن برای اطفال بنوعی که برای آنها قابل درک و فهم باشد، توجه به منافع عالیه کودکان در هنگام صدور حکم توسط قضات و در نظر گرفتن مصلحت کودک در حکم صادره بعنوان معیار و ملاک اصلی صدور حکم، جبران خسارت مادی و معنوی طفل بزه دیده که باید هدف اصلی دستگاه قضایی باشد و تأسیس نهادها و موسسات خاص در این زمینه، اجباری نمودن گزارش دهی در مورد کودک آزاری برای تمام افراد و موسسات و مراکز که به هر نحو از این موضوع اطلاع می یابند، نه فقط برای افراد و موسساتی که نگهداری از کودکان را بر عهده دارند (آنگونه که در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱ مطرح شده است)، آموزش دادن به کودکان و آشنا کردن آنها با اینگونه آزارهای جنسی و تأکید به آنها نسبت به این امر که این آزارها را تحمل نکنند و در مقابل آن اعتراض و شکایت نمایند، و همچنین انجام تحقیقات و بررسیهای لازم برای ریشه یابی کودک آزاری و شناخت زمینه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن و ارائه آمار دقیق و صحیح در این موارد برای کمک به کاهش و پیشگیری از این جرائم، همگی از راهکارهایی می باشند که می توانند در از میان بردن و یا حداقل کاهش این پدیده و معضل شوم اجتماعی، نقش موثری ایفا نمایند.

مراجع

۱. ابراهیمی قوام، صغری، اثرات سوءاستفاده و بدرفتاری بر تحمل اجتماعی و روانشناختی کودک، مجمع علمی جایگاه تربیت وزارت آموزش و پرورش، تهران، (۱۳۷۴)
۲. ارونسون، الیور، روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، چاپ چهارم، انتشارات رشد، تهران، (۱۳۶۷)
۳. آریانپور، امیرحسین، زمینه جامعه شناسی، نشر کتابهای جیبی، تهران، (۱۳۵۷)
۴. اسداللهی، عبدالرحیم، بررسی عوامل بروز جرم در زنان سرپرست خانوار زندانهای خوزستان، مرکز آموزش منطقه ۳ زندانهای کشور، اهواز، (۱۳۸۴)
۵. اسداللهی، عبدالرحیم و براتوند، محمود، بررسی رابطه بین افسردگی و ورزش در دختران کانون اصلاح و تربیت اهواز، مرکز آموزش منطقه ۳ زندانهای کشور، اهواز، (۱۳۸۴)
۶. اسداللهی، ملیحه، بررسی سوء رفتار والدین با کودکان خود در مدارس ابتدایی دخترانه تبریز، رساله کارشناسی ارشد پرستاری گرایش بهداشت کودک، دانشگاه تبریز، (۱۳۷۴)
۷. افسری، معصومه و بهرام نژاد، علی، تأثیر عوامل خانوادگی در بزهکاری نوجوانان، ماهنامه اصلاح و تربیت. سال دوم. شماره ۱۷، (۱۳۷۵)
۸. انجمن جامعه‌شناسی ایران، روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی (مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیبهای اجتماعی در ایران خرداد ۸۱) نشر آگاه جلد پنجم تهران: مقاله: مقایسه کودکان خیابانی و شبانه روزی تهران، علیرضا صالح (۱۳۸۳)
۹. انجمن جامعه‌شناسی ایران، روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی (مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیبهای اجتماعی در ایران خرداد ۸۱) نشر آگاه جلد پنجم تهران: مقاله: نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی در ایران، علل و عوامل، مصطفی جانقلی (۱۳۸۳)
۱۰. انجمن روانشناسی آمریکا، راهنمای اختلالات روانی DS M-IV-TR ترجمه محمدرضا نیکخو، چاپ دوم، نشر سخن، تهران (۱۳۸۱)
۱۱. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، خاتون هفت قلعه، نشر دهخدا، تهران (۱۳۴۳)
۱۲. باقری یزد، سیدعباس، بررسی موارد کودک‌آزاری جسمانی در مراجعین درمانگاههای اورژانس اطفال تهران، وزارت بهداشت و درمان، تهران (۱۳۷۹)
۱۳. بخشعلیان، احمد، شیوه و عامل سوءرفتار والدین بر دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی تهران، رساله کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، (۱۳۷۷)
۱۴. برات‌وند، محمود، استرس و عوامل مرتبط با آن، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دهم، شماره ۱۱۴ ص ۳۷-۲۸، (۱۳۸۳)
۱۵. برات‌وند، محمود، بررسی و مقایسه منطقه حاشیه نشین سیدخلف با مرفه نشین کیانپارس اهواز، ارائه شده در همایش آسیب شناسی اجتماعی و حاشیه نشینی، قوه قضاییه: تهران، (۱۳۸۴)
۱۶. بوالهروی، عبدالعلی (۱۳۷۷) جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۸۴)